



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۲۵۷-۲۳۷

سیاست‌پژوهی

بررسی جریان‌سازی جنسیتی در فرآیند سیاست‌گذاری

بهاره فلاحی^۱

دکتری سیاست‌گذاری مسکن دانشگاه یوپی‌ام مالزی

(تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۶)

چکیده

عدالت جنسیتی پیش‌نیازی برای تحقق توسعه پایدار می‌باشد. به منظور ایجاد عدالت جنسیتی، شکل‌گیری جریان‌سازی جنسیتی یکی از ضرورت‌های اساسی تلقی می‌گردد. جریان‌سازی جنسیتی، فرآیند ارزیابی آثار عملکرد برنامه‌ریزی‌شده شامل قوانین، سیاست‌ها و طرح‌ها در کلیه زمینه‌ها و در کلیه سطوح برای زنان و مردان می‌باشد. جریان‌سازی جنسیتی یکی از راهبردهای حصول اطمینان از گنجاندن مسائل زنان و مردان در تهیه، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌ها و طرح‌ها در کلیه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، به گونه‌ای که در آن زنان و مردان به طور مساوی منتفع گردند و نابرابری حاکم نباشد. هدف از این تحقیق، بررسی جریان‌سازی جنسیتی در چرخه سیاست‌گذاری و معرفی این موضوع به منظور نقد و بررسی کارشناسانه در خصوص اسناد سیاستی بین‌المللی در ایران و در ارتباط با این مبحث می‌باشد.

واژگان کلیدی: جریان‌سازی جنسیتی، سیاست‌گذاری، عدالت جنسیتی، توسعه پایدار، توازن جنسیتی

^۱ - Email: fallahi.bahare@yahoo.com

۱- مقدمه

بنا به تعریف سازمان ملل متحد، جریان‌سازی جنسیتی عبارت است از فرآیند سنجش تبعات هر اقدام برنامه‌ریزی شده برای زنان و مردان، از جمله قانون‌گذاری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در کلیه زمینه‌ها و در تمام سطوح می‌باشد. جریان‌سازی جنسیتی راهبردی برای گنجاندن تجربه‌ها و دغدغه‌های زنان و مردان به صورت تفکیک‌ناپذیر در طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد تا زنان و مردان به طور مساوی از آن بهره‌مند و نابرابری متوقف گردد. همچنین مسئله‌ای است که تنها محدود به حوزه عدالت اجتماعی نبوده است، بلکه تضمینی برای توسعه پایدار انسانی و مساوات‌جویانه از طریق کارآمدترین روش‌های ضروری می‌باشد (Budgeon, 2011: 6-9).

جریان‌سازی جنسیتی ابعاد جنسیتی را در کلیه بخش‌های سیاستگذاری با صراحت مطرح می‌کند و دیگر به عنوان یک مسئله جدا در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه مسئله‌ای در کلیه برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها محسوب می‌گردد. علاوه بر این، در رویکرد جریان‌سازی جنسیتی، زنان در انزوا در نظر گرفته نشده‌اند، بلکه همچون مردان در فرآیند توسعه، فعال می‌باشند و نیز از بهره‌مندان آن فرآیند، تلقی می‌گردند.

جریان‌سازی جنسیتی به میزان چشم‌گیری با رویکرد زنان در توسعه فرق دارد، زیرا نقطه شروع آن مفروضه‌های از پیش تعیین شده در مورد نقش‌ها و مشکلات زنان نمی‌باشد، بلکه تجزیه و تحلیل عمیق و مفصل وضعیت توسعه می‌باشد. تجربه نشان داده است که مسائل جنسیتی در کشورها، در مناطق و شرایط گوناگون متغیر بوده است و تجزیه و تحلیل مفصل این موضوع، همواره مبتنی بر اولویت‌ها و نیازهای متفاوت جنسیتی و نابرابری‌های ناشی از آن در فرصت‌ها و پیامدهای آن می‌باشد (Eveline and Bacchi, 2005: 496-512). با توجه به مسئله فوق، این رویکرد نیاز به سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های خاص دارد و برابری جنسیتی را تنها یک ضرورت مهجور تلقی نمی‌کند. سطح مداخله (از حساسیت جنسیتی به برنامه‌های جامع و هدفدار جنسیتی) بسته به نیازها و اولویت‌های خاص در یک ارزیابی حساس به جنسیت می‌باشد. جریان‌سازی جنسیتی به عنوان راهبردی جامع باید به محیطی که در آنها سیاست‌ها و برنامه‌ها تدوین و اجرا گشته است، نیز توجه کند. بنابراین ادغام کلیه دغدغه‌های جنسیتی در برنامه‌ریزی‌ها باید راهبردی شود تا متضمن محیط کاری حساس به جنسیت گردد و فرصت‌ها و رفتارهای برابر در مورد مردان و هم زنان اعمال گردد. از طرفی، تضمین منابع انسانی و ظرفیت‌های فنی کافی به منظور اجرای موفق جریان‌سازی ضروری است. مدل جریان‌سازی جنسیتی در عمل برای سیاستگذارانی طراحی شده است که متخصص مسائل جنسیت نبوده، بلکه مسئولیت جریان‌سازی جنسیتی را بنا به دستور سازمانی، عهده‌دار هستند.

هدف این مدل، راهنمایی این دسته افراد در کارشان بوده است (True, 2003: 368-396;) (Squires, 2008: 187-204).

این مدل همچنین برای گروه‌های دیگر علاقه‌مند به جریان‌سازی جنسیتی نیز مفید خواهد بود که شامل گروه‌های زیر می‌باشند:

الف- کارکنان بخش برنامه عمران ملل متحد می‌توانند از آن در مدیریت برنامه‌ها و طرح‌ها به عنوان راهنمای جریان‌سازی جنسیتی استفاده کنند.

ب- ناظرین بر سیاستگذاران و کارکنان بخش طرح‌ها می‌توانند با استفاده از آن درک بهتری از روش‌های تاثیرگذاری جریان‌سازی جنسیتی بر برنامه کاری کارکنان خود داشته باشند و جریان‌سازی جنسیتی را در نظام ارزشیابی خود بگنجانند و منابع مالی کافی نیز به آن اختصاص دهند (Charlesworth, 2005: 1; Tiessen, 2007: 17-22).

۲- گنجاندن جنسیت در فرآیند سیاستگذاری

این مدل شامل راهنمایی عملی در زمینه جریان‌سازی جنسیتی در کلیه زمینه‌ها و بخش‌های سیاستگذاری می‌باشد. فرآیند جریان‌سازی جنسیتی خود به ۱۰ مرحله تقسیم شده و هر مرحله از آن با ابزار گوناگون توصیف شده است. گنجاندن جنسیت در فرآیند سیاستگذاری، در حقیقت شامل اعمال تحلیل جنسیتی و دیدگاه‌های آن در کلیه مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هاست. گنجاندن جنسیت در فرآیند سیاستگذاری، راهکارهای عملی برای تبدیل نظریه جریان‌سازی جنسیتی به عمل، ضروری می‌باشد. بدین منظور، ۱۰ مرحله متفاوت، اما وابسته به هم را در فرآیند سیاستگذاری بررسی می‌کنند. جریان‌سازی جنسیتی فعالیت صرف نبوده، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از چرخه سیاستگذاری می‌باشد. این بخش، شامل فهرستی از مباحثی است که به ما کمک می‌کند تا مشخص کنیم چه فعالیت‌هایی تاکنون در خصوص جریان‌سازی جنسیتی اجرا شده است و راهکارهایی ارائه می‌دهد. در زیر به تفسیر مراحل جریان‌سازی جنسیتی می‌پردازیم (True and Mintrom, 2001: 27-57;) (Roggeband and Verloo, 2006: 615-632).

۱- نگرش به بهره‌مندان؛ تصمیم‌گیران چه کسانی هستند؟

۲- مسئله چیست؟

۳- حرکت به سوی برابری جنسیتی؛ هدف چیست؟

۴- ترسیم وضعیت؛ چه اطلاعاتی در اختیار داریم؟

۵- پالایش مسئله؛ تحقیق و تحلیل

۶- فرمول‌سازی مداخله‌های پروژه یا سیاستگذاری از منظر جنسیتی

۷- استدلال مورد؛ مسائل جنسیتی

۸- نظارت؛ نگرش؛ حساسیت جنسیتی در مسائل

۹- ارزیابی

۱۰- ایجاد ارتباطات

پس از مشخص شدن مراحل فوق، آن‌ها را در قسمت زیر به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳- نگرش جریان‌سازی به بهره‌مندان؛ تصمیم‌گیران چه کسانی هستند؟

مرحله اول مربوط به فضای پروژه و سیاستگذاری می‌باشد. به طور کلی، نقش‌آفرینان در این فرآیند با فهمی که نسبت به موضوع جنسیت دارند، به همراه ارزش‌هایشان برآیند سیاست‌ها را تعیین خواهند کرد (Eveline et al., 2009: 198-216). در خلال مرحله اول، سه سوال اساسی مطرح می‌شود:

الف- بهره‌مندان چه کسانی هستند؟ آیا شامل اشخاص یا گروه‌هایی با دیدگاه جنسیتی هستند؟

مقصود از جریان‌سازی جنسیتی این است که بهره‌مندان جنسیتی، شناسایی و در چرخه سیاستگذاری گنجانده شوند. تعدد بهره‌مندان، تنوع وسیع‌تری از انتخاب‌ها را در فرآیند سیاستگذاری سبب می‌شود. همچنین دیدگاه‌های رقابتی گوناگونی مطرح می‌شوند که مذاکره در این موارد، منجر به سیاستگذاری‌های بهتر خواهد شد (Stratigaki, 2005: 65-186; BaCChi and EvElinE, 2010: 311).

ب- آیا توازن جنسیتی در تمامی سازمان‌ها و اعضای آنها وجود دارد؟

در صورتی که عدم توازن جنسیتی در میان بهره‌مندان و یا گروه‌های مرکزی سیاستگذار وجود داشته باشد، باید اقدامات لازم جهت تعادل جنسیتی صورت گیرد.

ج- تخصص جنسیتی در کجا مفید است؟

بهره‌مندان و تصمیم‌گیرانی که دارای تخصص جنسیتی هستند، کمک می‌کنند تا نقاط ورودی برای جریان‌سازی جنسیتی شناسایی شوند و در چرخه سیاستگذاری به کار روند. بنابراین مسئله قابل توجه در اینجا این است که باید نخبگان و متخصصانی چون گروه‌های حقوق بشر یا حامیان آن، نظریه‌پردازان یا تحلیل‌گران سیاستگذاری‌ها که در مسائل جنسیتی صاحب نظر هستند و نیز محققان دانشگاه‌های مربوط به سازمان‌های مطالعه جنسیتی، به چرخه سیاستگذاری آورده شوند (Kabber, 2003: 7-13; Bornstein, 2016: 18-22).

۴- جریان‌سازی یک دستور کار جنسیتی؛ مسئله چیست؟

در خلال مرحله دوم، ابتدا باید مشخص شود که مهمترین مسئله یا مشکل چیست؟ این موضوع از طریق پاسخ به یک سوال اساسی انجام می‌پذیرد و آن این است که هدف سیاستگذاری ابتکاری ما چیست؟ این موضوع باید از نقطه نظر جنسیتی، مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود کجا، چرا و چگونه جریان‌سازی جنسیتی باید به کار گرفته شود؟ سوال دیگری که در این بخش مطرح می‌شود و به ما کمک می‌کند تا درک نماییم که مسئله جنسیتی چیست، این است که آیا این مسئله بر زنان و مردان به طرق متفاوت، تاثیر خواهد گذاشت؟ احتمالاً پاسخ این پرسش، آری خواهد بود و این به معنی آن است که باید روش‌های خاص تاثیرگذار بر زنان و مردان با نتایج متفاوت مورد بررسی قرار گیرند و تصحیح شوند. تحلیل جنسیتی، خود بخش مهمی است تا ابعاد جنسیتی مسئله، مشخص شوند. بنابراین در مرحله دوم، اولین نگاه ما مسئله از دیدگاه جنسیتی است. این مرحله به ما کمک می‌کند که جنبه‌های جنسیتی را از میان مسائل ظاهراً مستقل از جنسیت، شناسایی کنیم (Daly, 2005: 433-450; Gershuny and Sullivan, 2003: 205-228).

۵- حرکت به سوی برابری جنسیتی: هدف چیست؟

هنگامی که موضوع سیاستگذاری تعیین گردید، باید هدف را مشخص نمود. در تعیین و مشخص نمودن هدف، سوال‌های زیر مطرح می‌شود:

الف- خواست و نیاز ما دست‌یابی به چه چیزی است؟

ب- باید تمامی ابعاد جنسیتی را که در ذات مسئله سیاستگذاری می‌باشد، مورد شناسایی قرار دهیم. آشکارسازی این بعد جنسیتی در هدف سیاستگذاری نیز به همین اندازه دارای اهمیت است که می‌تواند از طریق مطرح کردن دو سوال مشخص شود:

۱- آیا هدف به فراخور جنسیت، تفکیک می‌شود؟

سیاستگذاری باید به تمامی تفاوت‌ها و تبعیض‌های بین زنان و مردان در صورتی که شرایط به گونه‌ای باشد که زنان و مردان نیازهای متفاوتی داشته باشند، اشاره و در جهت اصلاح آن‌ها کوشش کند. پس هدف باید نیازهای زنان یا مردان را هنگامی که در موقعیت مذکور و در محرومیت قرار دارند، پوشش دهد. لذا هدف سیاستگذاری باید در جهت اصلاح این عدم توازن باشد. این اهداف اصلاحی هستند و در زمینه تامین نیازهای زنان و مردان گام بر می‌دارند (Rubery, 2008: 19-38; Stone, 2002: 500-522).

۲- آیا هدف شامل تعهد بیشتر برای بهبود برابری جنسیتی می‌باشد؟

اهداف سیاستگذاری باید به طور وسیع در پرتو برابری جنسیتی مورد بررسی قرار گیرند. آنچه در این مرحله بررسی می‌شود، عوامل سازمان‌ها، تشکیلات یا اصول اساسی می‌باشند که اساساً و در عمل مانعی بر سر راه برابری مرد و زن می‌باشند. هدف باید به اندازه‌ای وسیع باشد که این عوامل را مخاطب قرار دهد، بنابراین این اهداف مربوط به تغییرهایی در سازمان‌ها و تشکیلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است که به تبع آن، برابری جنسیتی می‌تواند با سهولت بیشتری به دست آید (Booth and Bennett, 2002: 430-446; Walby, 2005: 321-343).

۶- ترسیم موقعیت؛ چه اطلاعاتی در اختیار داریم؟

همان گونه که اشاره شد، در بخش دوم از این مدل، مسئله سیاستگذاری مشخص و در مرحله سوم، اهداف کلی از پیش تعیین شده را مشخص و از حساسیت آنها به جنسیت اطمینان حاصل کردیم و در بخش چهارم از این مدل، باید به دنبال ترسیم موقعیت باشیم. در این راستا تهیه فهرستی که دارای اطلاعات زیر باشد، حائز اهمیت است:

الف- چه اطلاعاتی در اختیار داریم؟

ب- چه اطلاعاتی در دسترس نیست؟

ج- چه سیاستگذاری‌هایی تاکنون رخ داده است یا در حال رخ دادن است (Moser and Davis and Greenstein, 2009: 87-88; Moser, 2005: 11-22)؟

ترسیم موقعیت یک مرحله حیاتی و مهم، جهت اثربخش کردن فرآیند جریان‌سازی جنسیتی است. سه ابزار جهت پاسخ‌گویی به سوال‌های بالا، پیشنهاد می‌شود:

۶-۱- تمرین ترسیم (وضعیت)

در رابطه با مسئله سیاستگذاری و به منظور کسب فهرستی از اطلاعاتی که در اختیار داریم و یا اطلاعاتی که نداریم و نیز سیاستگذاری‌هایی که تاکنون رخ داده است یا در حال رخ‌دادن است و یا طراحی شده است، تمرین ترسیم، یک ابزار مفید موقعیت است (Verloo, 2016: 11-25). منابع مفید اطلاعاتی که می‌توان به آن استناد کرد، شامل موارد زیر می‌باشند:

- داده‌های مربوط به قانون‌گذاری دولتی

- داده‌های مربوط به اسناد دولتی

- پایگاه داده‌های مربوط به فعالیت‌های گروه‌های غیر دولتی.

ما می‌توانیم بر پایه اطلاعاتی که داریم و همچنین داده‌هایی که می‌توانیم از سایر بهره‌مندان بدست آوریم، به مسائل زیر بپردازیم:

- الف- مسائل بخش سیاستگذاری: منظور از آن، تعیین مهمترین مسائل مورد دغدغه در سیاستگذاری است که می‌توانند مسائل زیر باشند.
- ب- سوال‌های جنسیتی: این سوال‌ها می‌توانند در پاسخ به این پرسش باشند که آیا مسئله زنان و مردان را به یک شیوه تحت تاثیر قرار می‌دهد یا خیر.
- ج- در این قسمت آنچه را درباره مسئله می‌دانیم، مورد بررسی قرار می‌دهیم که شامل موارد زیر هستند:
- شاخص‌های کمی و کیفی: آیا شاخص‌هایی وجود دارند که به طور منظم بازبینی شوند تا مسایل جنسیتی را برای ما مشخص‌تر جلوه دهند؟ این شاخص‌ها چیستند؟
 - گزارش‌های موجود از تحقیق: آیا گزارش‌های تحقیقاتی وجود دارند که مسئله جنسیت را مشخص‌تر کنند؟
 - برنامه دولتی: آیا برنامه دولتی وجود دارد که به مسئله مورد نظر مربوط شود؟ آیا به بعد جنسیت در آن به صراحت اشاره شده است؟
 - قانون‌گذاری دولتی: چه قانون‌گذاری به مسئله مورد نظر اشاره می‌کند؟ آیا آنها بعد جنسیتی را در نظر می‌گیرند؟
 - پروژه سازمان‌های غیر دولتی: آیا سازمان غیر دولتی وجود دارد که به مسئله مورد نظر پردازد؟ آیا آنها بعد جنسیتی را پوشش می‌دهند؟
- بایستی ذکر شود که تمرین ترسیم، چارچوبی تحلیلی نیست و هیچ راه حل سیاستگذاری بالقوه‌ای پیشنهاد نمی‌کند، بلکه کمک به این فهم است که با چه ابزاری در جهت سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ها و داده‌های موجود باید کار کرد تا جریان‌سازی جنسیتی تضمین شود (Pollack and Hafner-Burton, 2000: 432-456; Hafner-Burton and Pollack, 2002: 339-373).

۶-۲- بررسی سیاستگذاری‌ها از منظر جنسیتی

وقتی که موقعیت ترسیم شد، بررسی سیاستگذاری از دیدگاه جنسیتی، ما را در ارزیابی حوزه‌ای که دغدغه‌های جنسیتی در برنامه‌های عمومی منعکس شده‌اند، یاری خواهد کرد. این فرآیند شامل اجزایی از سیاستگذاری است که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۶-۲-۱- برابری جنسیتی به عنوان یک اولویت در سیاستگذاری

آیا قطعنامه‌ای که نشئت گرفته از اراده سیاسی باشد، وجود دارد تا به برابری جنسیتی در سطح ملی یا منطقه‌ای کمک کند؟ زیرا یک سند سیاستگذاری مثلاً یک طرح ملی، منطقه‌ای یا

محلی برای برابری جنسیتی به صراحت اظهار نظر می‌کند که تعهدهای دولت در قبال نابرابری جنسیتی به عنوان یک معضل، دارای اهمیت است و در نتیجه، حکمی در دستور کار خود برای توسعه سیاستگذاری‌ها از منظر جنسیتی ایجاد می‌کند که همان جریان‌سازی جنسیتی می‌باشد. بنابراین بازبینی سیاستگذاری‌ها باید با بررسی وجود دغدغه‌های برابری جنسیتی در هر تعهد عمده سیاستگذاری آغاز شود. در مرحله دوم باید بازبینی کنیم که آیا این حکم مشخص می‌کند که چگونه و به وسیله چه کسی جریان‌سازی جنسیتی باید بر عهده گرفته شود تا خطوط مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی تعیین گردد. همچنین هر سیاستگذاری معتبری باید اهداف، مقاصد و شاخص‌های موفقیت را مشخص کند (Htun and Weldon, 2010: 207-216); (Krizsán and Zentai, 2006: 135-151).

۶-۲-۲- سیاست‌های بخشی در جریان‌سازی جنسیتی

آیا وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، سیاست‌های خاصی برای جریان‌سازی جنسیتی دارند؟ این بار هم یک حکم برای جریان‌سازی جنسیتی باید در اسناد سیاستگذاری گنجانده شود، مانند یک حکم اداری یا بخشی برای برابری جنسیتی. این حکم باید به صراحت مشخص نماید که چگونه و به وسیله چه کسی جریان‌سازی جنسیتی باید بر عهده گرفته شود تا اهداف، مقاصد و شاخص‌های واقعی موفقیت مشخص شوند (Squires and Wickham-Jones, 2004: 81-98); (Sainsbury, 1999: 15).

۶-۲-۳- رویکرد حساس به جنسیت به سیاست‌ها و برنامه‌های بخشی

اکنون این سوال مطرح است که آیا سیاستگذاری‌ها در هر بخش یا حوزه سیاستگذاری، یک دیدگاه جنسیتی را منعکس می‌کنند؟ بازبینی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ها در یک حوزه سیاستگذاری یا بخش خاص، باید به یک بررسی کلی‌تر به حوزه‌ای انتقال داده شود تا دیدگاه جنسیتی مد نظر قرار گرفته شود. این بازبینی باید سوال‌های زیر را مطرح و به دنبال پاسخی برای آنها باشد:

الف- آیا تخصص جنسیتی، قسمتی از ورودی اطلاعات و مشاوره‌ها برای تدوین سیاستگذاری‌ها و برنامه‌هاست؟

ب- آیا سیاستگذاری، به صراحت به مسائل جنسیتی در تشریح مسئله نظارت می‌کند؟

ج- آیا عملیات و راه‌حل‌های سیاستگذاری، تاثیر تفاوت‌های بالقوه را بر مردان و زنان در نظر می‌گیرند؟ آیا گروه‌های هدف مشخص شده‌اند؟

یک بازبینی جنسیتی از سیاست‌گذاری باید به تمامی نکته‌های از قلم‌افتاده که ممکن است به سیاست‌گذاری‌های جدید در مسائل خاص جنسیتی نیازمند باشد، مثلا سیاست‌گذاری بر علیه تبعیض نیروی کار اشاره نماید (Lombardo et al., Lewis and Campbell, 2007: 4-30). (2009: 23).

۳-۶- بازبینی قانون‌گذاری از یک منظر جنسیتی

بازبینی قانون‌مدار از منظر جنسیتی باید پاسخگوی پرسش‌های زیر باشد:

الف- آیا در قانون‌گذاری، پایه‌ای مناسب وجود دارد تا از تبعیض‌هایی که بر اساس جنسیت رخ می‌دهد جلوگیری نماید (قانون اساسی، قانون ضد تبعیض و غیره)؟

ب- آیا هیچ نشانه‌ای مبتنی بر تبعیض آشکار در قانون‌گذاری بر علیه زنان یا مردان وجود دارد؟

ج- آیا تخصص جنسیتی، قسمتی از ورودی اطلاعات و مشاوره‌ها برای پیش‌نویس قانون‌گذاری بوده است؟ (Whitehouse, 1992: 65-86; Tamerius, 2010: 43-50).

۷- پالایش مسئله؛ تحقیق و تحلیل

همان گونه که اشاره شد، ما نیازمند ترسیم موقعیت برای اینکه مشخص کنیم در چه شرایطی، یک دیدگاه خاص جریان‌سازی جنسیتی مورد نیاز است و نیز چه قسمت‌هایی از پایگاه اطلاعاتی ما دارای شکاف است، می‌باشیم. در این بخش لازم است تحقیقی را هدایت و اجرا کنیم که این شکاف‌های اطلاعاتی پر شوند. این موضوع در تضمین اعتبار، سودمندی و تاثیرگذاری به عنوان مثال سیاست‌گذاری بر علیه تبعیض نیروی کار که در حال توسعه آن هستیم تعیین‌کننده است (Verloo, 2005: 344-365; Fischer et al., 1993: 151-168). این مرحله شامل قسمت‌های زیر است:

۷-۱- مشخص کردن سوال تحقیق

سوال تحقیق باید واقعی و ملموس باشد تا در جهت سیاست‌گذاری، مفید واقع شود. تعیین‌کننده‌ترین عامل در این مرحله این است که چه خروجی از تحقیق مورد نیاز است؟ این خود در جهت فراهم‌نمودن شرایط دقیق مرجع برای محققان ضروری است. در این مرحله سوالی که مطرح می‌شود، این است که خروجی دلخواه تحقیق چیست؟ اگر هدف ما پیشرفت سیاست‌های ملموس است، محققان و تحلیل‌گران سیاست‌ها باید یک خلاصه سیاست‌گذاری

تهیه کنند که شامل انتخاب‌های متعدد بوده و مزایا و معایب هر یک را مشخص کنند. این ملاحظه‌ها باید در بردارنده مسائل زیر باشند:

الف- سودمندی

ب- در حوزه‌ای که در آن مسائل جنسیتی مورد توجه قرار گرفته، آیا نیازهای هر دو جنس زن و مرد لحاظ شده است؟ آیا چارچوب‌های نقش‌ها و روابط جنسیتی تغییر شکل یافته‌اند؟
(Beveridge et al., 2000: 385-405; Anderson, 2000: 220-229).

۲-۷- تعیین ورودی‌های لازم

بودجه، ظرفیت‌های فنی و تخصصی در کنار حوزه تحقیق، عوامل تعیین کننده مسیر انتخابی ما هستند. برای هدایت تحقیق، باید معیارهای زیر لحاظ شوند:

الف- تخصص در مورد مسئله سیاستگذاری

ب- تخصص جنسیتی؛ منظور آموزش حرفه‌ای و دانشگاهی در مورد نظریه جنسیتی است به نحوی که با سیاستگذاری عمومی مرتبط باشد. توازن مناسب بین این دو عامل جهت ارائه گزینه‌های سیاستی بادوام تعیین کننده است (Verloo, 2005: 344-365; Olesen, 2011: 129).

۳-۷- راه‌اندازی تحقیق

وقتی که می‌خواهیم طرح‌های پیشنهادی پروژه را ارزیابی کنیم، باید به فهرستی جهت ارزیابی طرح‌های پیشنهادی تحقیق، رجوع کنیم که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- بازیگران: چه کسانی درگیر جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هستند؟ آیا از وجود توازن دیدگاه جنسیتی تخصصی، اطمینان حاصل شده است؟

ب- آیا وضعیت هر دو جنس، مورد تحقیق قرار می‌گیرد؟ آیا داده‌ها به تفکیک جنسیت خواهد بود؟

ج- محورهای تحلیلی: آیا تحقیق در برگیرنده جنسیت، به عنوان یک متغیر مهم در تعیین فرآیند اجتماعی است؟ آیا دیگر محورهای مهم تحلیلی مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی، منطقه و غیره در نظر گرفته شده است؟

د- اعتبار: آیا مراحل لازم جهت حصول اطمینان درباره اعتبار نتایج از دید بهره‌مندان سپری شده است؟ آیا آن‌ها فرصت ارائه ورودی‌ها و توضیح‌ها را خواهند داشت (Kendall, 2002: 541-542; DeHart-Davis et al., 2006: 873-887)؟

۸- فرموله‌سازی مداخله‌های پروژه یا سیاستگذاری از یک منظر جنسیتی

انتخاب روند صحیح برای سیاستگذاری، نیازمند توازن بخشیدن به برخی ملاحظه‌های تعیین‌کننده است که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- سودمندی؛ منظور مقرون‌به‌صرفه‌بودن تحلیل می‌باشد.

ب- اثر بخشی: سطحی از هدف که به آن نائل می‌شویم.

ج- عدالت اجتماعی: این مولفه شامل برابری جنسیتی می‌شود؛ یعنی حوزه‌ای که شرایط نابسامان اجتماعی و تاریخی بین گروه‌های متفاوت در جامعه جبران می‌شوند.

هر انتخاب باید از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، محیطی، تساوی حقوق و انواع دیگر تاثیرها ارزیابی شود. برای حصول اطمینان از منظر جنسیتی، برای هر انتخاب ارزیابی تاثیر جنسیت باید صورت گیرد که برای هدایت این امر، سوال‌های کلیدی که در زیر آمده است، باید لحاظ گردند:

- انتخاب ما چه مزایایی برای مردان و زنان خواهد داشت؟

- انتخاب ما چه هزینه‌هایی را بر زنان و مردان تحمیل خواهد کرد؟

- بهره‌مندان (اعم از زن و مرد) انتخاب ما را بر حسب سود، زیان، مقبولیت و قابلیت اجرا چگونه تلقی می‌کنند؟

پس از ارزیابی دقیق این عوامل، باید آماده شویم که این تداخلات را فرموله‌سازی کنیم که خود مستلزم آماده‌سازی سند واقعی آن پروژه می‌باشد (Oláh, Chen et al., 2004: 10-13). فهرست جریان‌سازی جنسیتی برای اسناد پروژه یا سیاستگذاری شامل موارد زیر می‌باشد:

۸-۱- اهداف

- آیا اهداف مداخله‌های پیشنهادی، نیازهای هر دو جنس زن و مرد را منعکس می‌کنند؟

- آیا اهداف در جهت اصلاح عدم توازن جنسیتی با توجه به نیازهای مردان و زنان می‌باشند؟

- آیا هدف در جهت تغییر شکل سازمان‌هایی که به نابرابری جنسیتی تداوم می‌بخشند می‌باشند؟

۲-۸- شاخص‌ها

آیا شاخص‌هایی جهت سنجش میزان پیشرفت هر مقصد به سمت تکمیل آن، طراحی شده است؟ آیا این شاخص‌ها جنبه‌های جنسیتی هر یک از مقاصد را می‌سنجند؟ آیا شاخص‌ها، به تفکیک جنسیت می‌باشند؟ آیا اهدافی برای تضمین سطح مناسبی از توازن جنسیتی مثلاً سهمیه‌بندی‌ها برای مشارکت زنان و مردان در فعالیت ایجاد شده‌اند؟

۳-۸- اجرا

چه کسی مداخله‌های طراحی شده را اجرا خواهد کرد؟ آیا آن‌ها در زمینه جریان‌سازی جنسیتی آموزش دیده‌اند و دیدگاه جنسیتی در طول اجرا پایدار خواهد ماند؟ آیا هر دوی زنان و مردان در اجرا مشارکت خواهند داشت؟

۴-۸- نظارت و ارزیابی

آیا استراتژی نظارت و ارزیابی، یک دیدگاه جنسیتی را در بر دارد؟ آیا هر دو جنبه حقیقی (محتوا) و اجرا (فرآیند) مداخله‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؟

۵-۸- خطر‌ها

آیا چارچوب بزرگتری از نقش‌ها و روابط جنسیتی درون جامعه مثلاً کلیشه‌ها یا موانع ساختاری که می‌توانند از مشارکت کامل یکی از دو جنس جلوگیری کند، به عنوان یک خطر بالقوه در نظر گرفته شده است؟

۶-۸- بودجه

جهت اطمینان از اینکه هر دو جنس از مداخله طراحی شده به یک میزان سود خواهند برد، این مسئله مطرح می‌شود که آیا مسئله جنسیت در سرمایه‌های ورودی به طرح، بی‌تاثیر بوده است؟ آیا نیاز به ایجاد آموزش، حساسیت جنسیتی و یا به کارگیری متخصصان جنسیتی، در بودجه در نظر گرفته شده است؟

۸-۷- استراتژی ارتباطات

آیا یک استراتژی ارتباطی جهت اطلاع‌رسانی همگانی درباره میزان پیشرفت و نتایج پروژه از منظر جنسیتی تدوین شده است (Miller, 2009: 43-50; Vosko et al., 2009: 12-23)؟

۹- استدلال مسئله: موضوع‌های جنسیتی

یکی از جنبه‌های تعیین‌کننده جریان‌سازی جنسیتی، شامل توسعه استدلال‌ها در زمینه برابری جنسیتی است، به دلیل آنکه تجربه نشان داده است که تصمیم‌گیرندگان گاهی در جهت اختصاص منابع محدود خود، به فعالیت‌های برابری جنسیتی تمایل نشان نمی‌دهند. در نتیجه باید به تصمیم‌گیرندگان استدلال‌هایی ارائه شود که به صراحت برایشان روشن کند که چرا توجه به موضوع‌های جنسیتی حائز اهمیت است و باید مشخص شود که برابری جنسیتی به حل چه مسائل توسعه‌ای کمک می‌کند و چه مزایایی را برای دولت و یک ملت به ارمغان خواهد آورد (Mazey, 2002: 227-240; Ahl, 2006: 595-621).

۹-۱- ارزش افزوده جریان‌سازی جنسیتی

استدلال‌ها به منظور تاکید بر اهمیت خط‌مشی جنسیتی و ارتقاداتن کیفیت جنسیتی در تمامی سیاست‌گذاری‌ها با یکی از شش دسته‌ای که در زیر آمده است مرتبط خواهد بود:

۹-۱-۱- استدلال‌های عدالت و برابری

این استدلال‌ها بر ارزش اصول دموکراتیک و حقوق اساسی بشر تاکید می‌کنند، که لازمه آن برابری جنسیتی است. این استدلال‌های عدالت‌محور می‌توانند برای استدلال در زمینه معرفی و مشارکت برابر هر دو جنس در زمینه‌های متعدد به کار گرفته شوند. اغلب کشورها عضو میثاق‌هایی مانند میثاق رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و میثاق‌نامه‌های کنفرانس‌های جهانی مانند کنفرانس پکن، کپنهاگ و قاهره می‌باشند که همگی برابری جنسیتی را به عنوان یک اصل اساسی تصدیق می‌کنند. کشورها موظف هستند که این تعهدها را به انجام رسانند، بخصوص که بسیاری از بندهای اساسی آن قانون اساسی همان کشورها را منعکس می‌کنند. در حالی که تجربه نشان داده است که استدلال عدالت‌محور به تنهایی برای متقاعد کردن دولت‌ها جهت تجهیز منابع مناسب کافی نمی‌باشد، در عین حال این استدلال‌ها جهت ارائه مرجعی برای احکام خاص، جهت برابری جنسیتی تعهدهای بین‌المللی مفید است و به دولت‌ها یادآوری

می‌کند که بخشی از یک جامعه بین‌المللی یا منطقه‌ای هستند که از ارزش‌های مشترکی حمایت می‌کنند.

۹-۱-۲- استدلال‌های اعتبار و پاسخ‌گویی

استدلال‌های اعتبار و پاسخ‌گویی بر این مسئله تاکید می‌کنند که زنان همانند مردان، نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهد و هر سیاستگذاری که در مخاطب قراردادن دو جنس برابری را رعایت نکند، در نهایت معیوب بوده و بنابراین فاقد هر گونه اعتبار است. استدلال‌ها همچنین جهت یادآوری مسئولیت‌پذیری و تضمین توسعه پایدار بشری و عدالت اجتماعی برای دولت‌ها مفید است، چرا که در کشورهای دموکراتیک، دولت‌ها باید پاسخگوی مردم باشند و منافع اعضای خود اعم از زنان و مردان را ارتقا دهند. شکست در اجرای مسائل مربوط به برابری جنسیتی، شکستی برای اعتبار دولت در نظر شهروندان آن خواهند بود. به علاوه، بسیاری از مداخله‌های حساس به جنسیت، عاملی جهت حفظ اعتبار دولت‌ها جهت استفاده آن‌ها از سرمایه عمومی می‌باشد (Fox and Grosser and Moon, 2005: 327-340; Murry, 2000: 1160-1172).

۹-۱-۳- استدلال‌های سودمندی و تداوم

این استدلال‌ها یک واقعیت انکارناپذیر را آشکار می‌کنند و آن این است که استفاده از ظرفیت زنان و مردان در تمامی جنبه‌های توسعه، به سود کل کشور است. نکته حائز اهمیت، توجه به این نکته است که کشوری که ظرفیت و استعدادهای زنان یا مردان را در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نادیده بگیرد، توسعه این کشور در میان‌مدت یا بلندمدت با مشکل مواجه خواهد شد. این استدلال‌ها بسیار موثر هستند، زیرا اثبات می‌کنند که سرمایه‌گذاری برای برابری جنسیتی برای کل کشور اثربخش است.

۹-۱-۴- استدلال‌های کیفیت زندگی

این استدلال‌ها توجه بیشتر به مسائل برابری جنسیتی را در زندگی زنان و مردان ارتقا خواهد بخشید. در جامعه دموکراتیکی که بر اصول عدالت اجتماعی بنا نهاده شده است، هر فرد از اعضای جامعه، حق برخورداری از یک زندگی با بهترین کیفیت ممکن را دارا است. ابتکارها در جریان‌سازی جنسیتی در جهت ارتقا این هدف تلاش می‌کنند. به علاوه در حالی که معمولاً این گونه به نظر می‌رسد که در افزایش توجه به برابری جنسیتی، زنان بهره‌مند خواهند شد، استدلال‌ها بر مبنای کیفیت زندگی، این مزایا را به میزان مناسب برای مردان و

خانواده‌ها لحاظ می‌کنند. آنها بر اهمیت روابط اجتماعی و وابستگی متقابل ایفاگران نقش‌های اجتماعی تاکید می‌کنند و ادعا می‌کنند که اگر برابری جنسیتی حاصل شود، کلیت جامعه بهره‌مند خواهند شد. این استدلال‌ها بر اینکه یک دیدگاه جنسیتی می‌تواند کیفیت زندگی اعضای جامعه را ارتقا دهد، تاکید می‌نماید.

۹-۱-۵- استدلال‌های اتحاد

استدلال‌های اتحاد بر برابری جنسیتی به عنوان پیش‌نیازی جهت پیشبرد اتحاد و همکاری رسمی با دیگر ملل تاکید می‌کند. در فضای اروپای مرکزی و شرقی، بارزترین نمونه ائتلاف، اتحادیه اروپا می‌باشد، که کشورهای نامزد عضویت در اتحادیه اروپا متعهد می‌شوند که اسباب و زمینه ارتقای برابری جنسیتی را به عنوان پیش‌نیاز عضویت به کار گیرند. در حالی که این استدلال هم اکنون در فراخوانی دولت‌ها جهت اجرای آن موثر بوده است، اما در نهایت بدون همراهی با دلایل ملموس عینی مانند سودمندی و کیفیت زندگی که دلیل اشاره به مسائل برابری جنسیتی را ابراز می‌کنند، ناپایدار است (Nelson et al., 2002: 51-59; Mazey, 2002: 227-240).

۱۰- نظارت؛ تداوم یک نگاه حساس به جنسیت در مسائل

نظارت یک جنبه غیر قابل تفکیک از جریان‌سازی جنسیتی است. سه جنبه نظارت شامل موارد زیر می‌باشد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱۰-۱- سطوح نظارت

نظارت باید در دو سطح متفاوت رخ دهد که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- نظارت بر پیش‌روی به سوی انجام اهداف و مقاصد حقیقی

ب- نظارت بر فرآیند اجرا

هر دو مورد فوق، نیازمند تعیین اهداف و مقاصد و توسعه شاخص‌ها جهت سنجش میزان پیشرفت به سوی هدف می‌باشند. همزمان با نظارت بر پیشرفت به سوی اهداف و مقاصد حقیقی، شاخص‌ها باید ارائه خروجی‌ها (فعالیت‌ها) و برآیندهای معین (تاثیر) آن را پیگیری کنند. همزمان با نظارت بر فرآیند اجرا، اهداف و شاخص‌ها، باید میزان توسعه حساس به جنسیت خود فرآیند را پیگیری کنند. جهت رسیدگی به فرآیند نظارت سوال‌هایی مطرح می‌شود که شامل موارد زیر می‌باشد:

- الف- آیا زنان و مردان به طور برابری در تصمیم‌گیری پروژه مشارکت دارند؟
 ب- آیا کسانی که در اجرای پروژه دخیل هستند، به طور مرتب در جهت حفظ دیدگاه جنسیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

۱۰-۲- طرح‌های نظارتی حساس به جنسیت

هر دو طرح برای نظارت اعم از میزان پیشرفت حقیقی و چگونگی فرآیند اجرا باید در یک سند رسمی که طرح کلی مداخله‌ها در آن ذکر می‌شود، گنجانده شوند. این طرح‌ها باید تعیین کنند که:

- الف- چه کسی مسئول اقدامات نظارتی است؟
 ب- چه موقع نظارت انجام می‌شود؟
 ج- از چه ابزاری برای ثبت مشاهده‌هایی که نشان می‌دهد چه مکانیزم‌هایی برای بررسی فرآیند اجرا وجود دارد، استفاده خواهد شد (ارزیابی دوره‌ای یا جلسات بازبینی)؟
 د- سایر بهره‌مندان، چگونه در فرآیند نظارت مشارکت می‌کنند؟

۱۰-۳- شاخص‌ها و اهداف حساس به جنسیت

۱۰-۳-۱- اهداف

اهداف به گونه‌ای باید تنظیم شوند که بتوان برد را همواره در نظر داشت. این اهداف مقصد نهایی ما را ملموس‌تر می‌سازند و امکان دستیابی به آن‌ها را افزایش می‌دهند. اهداف ملموس، امکان به کارگیری منابع انسانی و مالی را به منظور دستیابی به آن اهداف افزایش می‌دهند. اهداف برای اینکه موثر باشند باید دارای سه خصوصیت باشند:

الف- ترقی خواهانه ولی واقع‌بینانه

ب- محدود به زمان

ج- قابل اندازه‌گیری

۱۰-۳-۲- شاخص‌ها

پیشروی جهت نیل به اهداف باید به کمک شاخص‌های معینی طرح‌ریزی شود. شاخصه‌های موثر باید دارای ویژگی‌هایی باشند که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:
 الف- شاخص‌های موثر، در طول زمان قابل اندازه‌گیری هستند، چرا که شاخص‌هایی که تنها یک بار اندازه‌گیری می‌شوند، نمی‌توانند نشانه‌هایی از پیشرفت یا تنزل ارائه دهند.

ب- شاخص‌های موثر، قابل اندازه‌گیری هستند، یعنی ما باید قادر به طبقه‌بندی یا تعیین کمیت نتایج خود باشیم.

ج- شاخص‌ها باید دقیق باشند، یعنی باید شاخص‌هایی را انتخاب کنیم که تاثیرهای عوامل خارجی و محیطی بر آن‌ها حداقل باشد (Woodward, 2008: 289-302؛ Woodward, 2003: 65-88).

۱۱- ارزیابی

ارزیابی دارای سه مرحله است که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱-۱۱- ارزیابی خروجی‌ها

در این مرحله باید به این نکته توجه شود که آیا به اهداف مورد نظر دست یافته‌ایم؟ تا چه اندازه تحقق اهداف، حاصل شده است؟

۲-۱۱- ارزیابی برآیندها

در این مرحله باید بررسی کنیم که ما در چه فضایی به اهداف توسعه نائل شده‌ایم.

۳-۱۱- ارزیابی فرآیند

در این مرحله باید بررسی کنیم که خروجی‌ها و برون‌دادها چگونه و از چه طریقی حاصل می‌شوند؟ (Subrahmanian, 2004: 89-94; Rees, 2005: 555-574).

۱۲- اطلاع‌رسانی

در حالی که اطلاع‌رسانی به عنوان آخرین مرحله در راهنمای جریان‌سازی جنسیتی مطرح می‌شود، ملاحظه‌های اطلاع‌رسانی، خود نیازمند ادغام در تمامی مراحل چرخه سیاستگذاری می‌باشند. اطلاع‌رسانی به سایر بهره‌مندان از جامعه مدنی تا مقام‌های بالاتر در تمامی مراحل و سطوح ضروری است. یکی از موانعی که بر سر راه جریان‌سازی جنسیتی وجود دارد، نقصان اطلاعات در سطوح مختلف است که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- در مورد احکام دولتی یا سازمانی برای برابری جنسیتی

ب- در مورد برنامه‌ها و سیاستگذاری‌هایی که هدفشان برابری جنسیتی است

ج- در مورد بهره‌مندان و تلاش‌های دیگر بازیگران در عرصه ارتقای برابری جنسیتی

بنابراین هدف از استراتژی اطلاع‌رسانی، کمک به پرکردن این شکاف اطلاعاتی برای گروه‌های مختلف همگانی است. این گروه‌های همگانی شامل گروه‌های سطح بالای سیاستگذار و تصمیم‌گیر، گروه‌های مختلف جامعه مدنی اعم از زنان و مردان و دانشجویان و غیره می‌شود.

۱۲-۱- مداخله‌های ممکن برای فرآیند اطلاع‌رسانی در جریان‌سازی جنسیتی

مداخله‌های ممکن برای فرآیند اطلاع‌رسانی در جریان‌سازی جنسیتی شامل موارد زیر می‌شود:

۱۲-۱-۱- تهیه گزارش سالانه جنسیتی

تهیه چنین گزارشی بوسیله دولت می‌تواند منبع مهمی از اطلاعات آماری باشد و ابزاری جهت پیگیری فرآیند و انتشار اطلاعات برای طیف وسیعی از مخاطبان باشد. چنین گزارشی ممکن است بوسیله تشکیلات دولتی تهیه شود یا اینکه در یک قرارداد به یک سازمان تحقیقاتی یا سازمان غیر دولتی واگذار شود.

۱۲-۱-۲- تاسیس مرکز موارد سیاستگذاری جنسیتی

ایجاد یک مرکز برای گردآوری گزارش‌ها، کتاب‌ها و سایر اطلاعات مربوط به سیاستگذاری جنسیتی می‌تواند جریان‌سازی جنسیتی را سودمندتر سازد (Vohra, 2009: 13-22; Rao and Kelleher, 2005: 57-69).

۱۳- توصیه‌های سیاستی

اهمیت نگاه جنسیتی در برنامه‌های کلان باید برای سیاستگذاران، دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان برجسته شود، زیرا تسریع روند تحلیل جنسیتی و واردکردن نگرش جنسیتی در برنامه‌ریزی کلان منجر به عدالت جنسیتی می‌شود و عدالت جنسیتی یک متغیر اساسی در توسعه پایدار است. ارتقای عدالت جنسیتی در گرو شناخت نیازهای واقعی برای در محور قراردادن زنان در کلیه امور یعنی جریان‌سازی جنسیتی است، چرا که در سیاستگذاری عمومی، موضوع‌ها ابتدا به عنوان مسئله شناسایی می‌شوند و هنگامی که مسئله شناسایی شد، فعالیت‌های مختلف که مرز اجرای سیاست‌ها و ارزیابی هستند، پیش می‌روند. در این تحقیق به مدل جریان‌سازی جنسیتی در عمل اشاره شد که شامل ارزیابی پیامد هر عمل

برنامه‌ریزی شده برای زنان و مردان می‌باشد، از جمله قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی در کلیه زمینه‌ها و در تمام سطوح. جریان‌سازی جنسیتی راهبردی برای گنجاندن مشکلات زنان و مردان در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به منظور رفع نابرابری‌ها می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که به منظور جریان‌سازی جنسیتی اقدامات زیر انجام گیرند:

- ۱- اهتمام به تعهد و برقراری هدف توازن جنسیتی در هیئت‌ها و کمیته‌های دولتی، اداری و قضایی و اجرای اقداماتی در راستای افزایش به کارگیری زنان در کلیه مناصب
- ۲- نظارت و ارزیابی پیشرفت حضور زنان از طریق گردآوری، تحلیل و اشاعه تنظیم داده‌های کیفی و کمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری
- ۳- تضمین اینکه سازمان‌هایی که بودجه دولت‌ها را در اختیار دارند، بدون تبعیض هستند
- ۴- اتخاذ اقدام مثبت توسط مقام‌های عالی و اجرایی
- ۵- بازنگری ملاک‌های استخدام و انتصاب مقام‌های تصمیم‌گیری
- ۶- پشتیبانی تمامی سطوح از توانمندسازی زنان جهت تاثیرگذاری بر نظام‌ها و تصمیم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

منابع

- 1-Ahl, H. (2006), *Why research on women entrepreneurs needs new directions. Entrepreneurship theory and practice*, 30(5), 595-621.
- 2-Anderson, J. M. (2000), *Gender, 'race', poverty, health and discourses of health reform in the context of globalization: A postcolonial feminist perspective in policy research. Nursing Inquiry*, 7(4), 220-229.
- 3-BaCChi, C., & EvElinE, J. (2010), *Gender mainstreaming or diversity mainstreaming? The politics of 'doing'. Welcome to the electronic edition of Mainstreaming Politics. The book opens with the bookmark panel and you will see the contents page. Click on this anytime to return to the contents. You can also add your own bookmarks.*, 311.
- 4-Beveridge, F., Nott, S., & Stephen, K. (2000). *Mainstreaming and the engendering of policy-making: a means to an end?. Journal of European Public Policy*, 7(3), 385-405.
- 5-Booth, C., & Bennett, C. (2002), *Gender mainstreaming in the European Union: towards a new conception and practice of equal opportunities?. European Journal of Women's Studies*, 9(4), 430-446.
- 6-Bornstein, K. (2016), *Gender outlaw: On men, women, and the rest of us. Vintage.*
- 7-Budgeon, S. (2011), *Third-wave feminism and the politics of gender in late modernity. Springer.*
- 8-Charlesworth, H. (2005). *Not waving but drowning: Gender mainstreaming and human rights in the United Nations. Harv. Hum Rts. J.*, 18, 1.
- 9-Chen, M. A., Vanek, J., & Carr, M. (2004), *Mainstreaming informal employment and gender in poverty reduction: A handbook for policy-makers and other stakeholders. Commonwealth secretariat.*
- 10-Daly, M. (2005). *Gender mainstreaming in theory and practice. Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, 12(3), 433-450.
- 11-Davis, S. N., & Greenstein, T. N. (2009), *Gender ideology: Components, predictors, and consequences. Annual Review of Sociology*, 35.
- 12-DeHart-Davis, L., Marlowe, J., & Pandey, S. K. (2006), *Gender dimensions of public service motivation. Public administration review*, 66(6), 873-887.
- 13-Eveline, J., & Bacchi, C. (2005), *What are we mainstreaming when we mainstream gender?. International Feminist Journal of Politics*, 7(4), 496-512.

- 14-Eveline, J., Bacchi, C., & Binns, J. (2009), *Gender mainstreaming versus diversity mainstreaming: Methodology as emancipatory politics*. *Gender, Work & Organization*, 16(2), 198-216.
- 15-Fischer, E. M., Reuber, A. R., & Dyke, L. S. (1993), *A theoretical overview and extension of research on sex, gender, and entrepreneurship*. *Journal of business venturing*, 8(2), 151-168.
- 16-Fox, G. L., & Murry, V. M. (2000), *Gender and families: Feminist perspectives and family research*. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 1160-1172.
- 17-Grosser, K., & Moon, J. (2005), *Gender mainstreaming and corporate social responsibility: Reporting workplace issues*. *Journal of Business Ethics*, 62(4), 327-340.
- 18-Hafner-Burton, E., & Pollack, M. A. (2002), *Mainstreaming gender in global governance*. *European Journal of International Relations*, 8(3), 339-373.
- 19-Htun, M., & Weldon, S. L. (2010), *When do governments promote women's rights? A framework for the comparative analysis of sex equality policy*. *Perspectives on Politics*, 8(1), 207-216.
- 20-Kabeer, N. (2003), *Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals: A handbook for policy-makers and other stakeholders*. Commonwealth Secretariat.
- 21-Kendall, J. (2000), *The mainstreaming of the third sector into public policy in England in the late 1990s: why and wherefore*. *Policy & politics*, 28(4), 541-542.
- 22-Krizsán, A., & Zentai, V. (2006), *Gender equality policy or gender mainstreaming? The case of Hungary on the road to an enlarged Europe*. *Policy studies*, 27(2), 135-151.
- 23-Lewis, J., & Campbell, M. (2007), *UK work/family balance policies and gender equality, 1997-2005*. *Social Politics*, 14(1), 4-30.
- 24-Lombardo, E., Meier, P., & Verloo, M. (Eds.). (2009), *The discursive politics of gender equality: Stretching, bending and policy-making*. Routledge.
- 25-Mazeu, S. (2002), *Gender mainstreaming strategies in the EU: Delivering on an agenda?*. *Feminist Legal Studies*. 10(3). 227-240.
- 26-Miller, K. (2009), *Public policy dilemma—gender equality mainstreaming in UK policy formulation*. *Public Money & Management*, 29(1), 43-50.
- 27-Moser, C., & Moser, A. (2005), *Gender mainstreaming since Beijing: a review of success and limitations in international institutions*. *Gender & Development*, 13(2), 11-22.
- 28-Nelson, V., Meadows, K., Cannon, T., Morton, J., & Martin, A. (2002), *Uncertain predictions, invisible impacts, and the need to mainstream gender in climate change adaptations*. *Gender & Development*, 10(2), 51-59.
- 29-Olááh, L. S. (1998), *Do public policies influence fertility? Evidence from Sweden and Hungary from a gender perspective*.
- 30-Olesen, V. (2011), *Feminisms and qualitative research practices continue to be highly interesting*. *Disparate*. The Sage handbook of qualitative research. 129.
- 31-Pollack, M. A., & Hafner-Burton, E. (2000), *Mainstreaming gender in the European Union*. *Journal of European public policy*, 7(3), 432-456.
- 32-Rao, A., & Kelleher, D. (2005), *Is there life after gender mainstreaming?*. *Gender & Development*, 13(2), 57-69.
- 33-Rees, T. (2005), *Reflections on the uneven development of gender mainstreaming in Europe*. *International Feminist Journal of Politics*, 7(4), 555-574.
- 34-Roggeband, C., & Verloo, M. (2006), *Evaluating gender impact assessment in the Netherlands (1994-2004): a political process approach*. *Policy & politics*, 34(4), 615-632.
- 35-Rubery, J. (2002), *Gender mainstreaming and gender equality in the EU: the impact of the EU employment strategy*. *Industrial relations journal*, 33(5), 500-522.
- 36-Sainsbury, D. (Ed.). (1999), *Gender and welfare state regimes*. Oxford University Press.
- 37-Squires, J. (2008), *The Constitutive Representation of Gender: Extra-Parliamentary Re-Presentations of Gender Relations*. *Representation*, 44(2), 187-204.
- 38-Stone, D. (2008), *Global public policy, transnational policy communities, and their networks*. *Policy studies journal*, 36(1), 19-38.
- 39-Stratigaki, M. (2005), *Gender mainstreaming vs positive action: An ongoing conflict in EU gender equality policy*. *European Journal of Women's Studies*, 12(2), 165-186.
- 40-Subrahmanian, R. (2004), *Making sense of gender in shifting institutional contexts: some reflections on gender mainstreaming*. *IDS Bulletin*, 35(4), 89-94.
- 41-Tamerius, K. L. (2010), *Sex, gender, and leadership in the representation of women*. *Women, gender, and politics: A reader*, 243-50.
- 42-Tiessen, R. (2007), *Everywhere/nowhere: Gender mainstreaming in development agencies*. Kumarian Press.

- 43-True, J. (2003), *Mainstreaming gender in global public policy*. *International Feminist Journal of Politics*, 5(3), 368-396.
- 44-True, J., & Mintrom, M. (2001), *Transnational networks and policy diffusion: The case of gender mainstreaming*. *International studies quarterly*, 45(1), 27-57.
- 45-Vosko, L. F., MacDonald, M., & Campbell, I. (Eds.). (2009), *Gender and the contours of precarious employment*. Routledge.
- 46-Verloo, M. (2005). *Displacement and empowerment: Reflections on the concept and practice of the Council of Europe approach to gender mainstreaming and gender equality*. *Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, 12(3), 344-365.
- 47-Verloo, M. M. T. (2016), *Mainstreaming gender equality in Europe: a critical frame analysis*.
- 48-Vohra, T. (2009). *Gender Mainstreaming*. Pacific Publication.
- 49-Walby, S. (2005). *Gender mainstreaming: Productive tensions in theory and practice*. *Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, 12(3), 321-343.
- 50-Whitehouse, G. (1992). *Legislation and labour market gender inequality: an analysis of OECD countries*. *Work, employment and society*, 6(1), 65-86.
- 51-Woodward, A. E. (2008), *Too late for gender mainstreaming? Taking stock in Brussels*. *Journal of European Social Policy*, 18(3), 289-302.
- 52-Woodward, A. (2003), *European gender mainstreaming: promises and pitfalls of transformative policy*. *Review of Policy Research*, 20(1), 65-88.